

سقف پروازی
برای گرانی

صفحه ۲



مرادی در جاکارتا رکورد یک‌ضرب جهان را شکست و گنج زاده در کارانه گل کاشت

مقتدر
مثل سهراب

صفحه ۱۴

تیتراهای امروز

از وین
تا وین

■ «وطن امروز» از تلاش انگلیس برای اعطای مصونیت دیپلماتیک به نازنین زاغری همزمان با تلاش اتریش برای سلب مصونیت دیپلمات ایرانی گزارش می‌دهد

صفحه ۵

آمارهای غلط رئیس کمیسیون امنیت ملی درباره جمعیت ایرانیان خارج از کشور

این ۸ میلیون را
از کجا آوردید
آقای فلاح پیشه!

صفحه ۲

گزارشی از نقش مواد مخدر در تأمین مالی تروریسم و خدمات متقابل مافیا و آمریکا

ائتلاف کارتل‌ها
از سیسیل تا هلمند

صفحات ۱۱ و ۶

پرونده‌ای برای اکبر عبدی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون به بهانه پنجاه و هشتمین سالگرد تولد او

کمدین چهار فصل

صفحه ۱۳

گزارش «وطن امروز» از بازار پرالتهاب خرید و فروش خودرو

پراید ۳۹ میلیون؟!

صفحه ۲

روزنه

دروغ نگو صدراعظم!

امیر خدایی

«انگلا مرکل» صدراعظم ژرمن‌ها اخیرا در دیدار با «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا، ادعای قابل تاملی را درباره ارزش‌های تجاری در اروپا مطرح کرده است: «تحدیه اروپایی مانند انجمن یا یک موسسه اداری نیست، بلکه این ارگان بر اساس ارزش‌های مشترک و احترام به انسان‌ها بنیان گذاشته شده است، همه ما باید در رویکردها و عملکردهای خود احترام به حقوق بشر و ارزشمندی شأن انسان را نشان دهیم. نباید فراموش کنیم که نژادپرستی جایی در آیین اروپایی ندارد.»

سخنان مرکل بسیار زیباست! بدون شک در زمان انعقاد «پیمان ماستریخت» و تشکیل اتحادیه اروپایی در اواخر قرن بیستم، بسیاری از شهروندان اروپایی بویژه مهاجرانی که به امید آغاز و استمرار یک زندگی آرام به اروپا آمده بودند، تشنه چنین شعارهایی بودند اما امروز کمتر کسی ادعای خاتم مرکل مبنی بر احترام به انسان‌ها و فقدان نژادپرستی در ارزش‌های اروپایی را باور می‌کند!

۱- امروز ما با «نژادپرستی سیستماتیک» در اروپا مواجهیم. این نژادپرستی سیستماتیک معلول حمایت پشت‌پرده و آشکار نهادهای سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپایی از احزاب و گروه‌های وابسته به جریان راست افراطی، نژادپرستان و ملی‌گرایان تندرو اروپاست. امروز احزاب نژادپرست با شعارهای مهاجرستیز و پوپولیستی، از یک‌سو به عنوان احزاب رسمی و قانونی فعالیت کرده و وارد پارلمان می‌شوند و از سوی دیگر، زمینه تحریک شهروندان برای حمله به مهاجران و پناهجویان را فراهم می‌کنند. به عبارت شفاف‌تر، «پمپایز خشونت» علیه مهاجران و پناهجویان و افراد رنگین‌پوست در اروپا، نه از طریق کانال‌های غیرقانونی و غیررسمی یا مجازی، بلکه از بلندگوی احزاب رسمی و قانونی و نمایندگان پارلمان شکل می‌گیرد! آیا در چنین شرایطی ادعای مرکل مبنی بر عدم تطبیق ارزش‌های اروپایی با نژادپرستی قابل قبول است؟! بدون شک مرکل خود نیز بخوبی می‌داند میان ارزش‌های ادعایی و اعلامی اروپا و آنچه امروز در عمل در اروپا واحد می‌گذرد، تفاوتی معنادار و عمیق وجود دارد. امروز بسیاری از نژادپرستان در اروپا تحت لوای دموکراسی دروغین و تحریف‌شده‌ای که مقامات غربی ایجاد کرده‌اند، آزادانه مشغول آزار و اذیت مسلمانان و مهاجران هستند.

ادامه در صفحه ۱۲



عکس: مصطفی تاج‌زاده/رئیس‌جمهور

اولین جلسه دادگاه علنی حمید باقری درمنی، ابریده‌کار بانکی به اتهام افساد فی الارض با حضور مردم و اصحاب رسانه برگزار شد

محاكمه پوست‌كلفت

بدون شك «كاهش ارزش پول ملی» و بروز معضلات اقتصادی فعلی در کشور، مرهون بحرانی است که در سطوح مدیریت اجرایی کشور وجود دارد؛ بحران سوءمدیریت و بیش‌انفعالی مدیران، اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسانه، نادقیق و هیجانی، عدم تعریف رابطه‌ای معین میان دولت و بازار، عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی، سوءتدبیر در مدیریت فضای روانی جامعه، دادن وعده‌های اقتصادی نادرست به مردم، رانت‌خواری و فساد اقتصادی و... چمگلی از عوامل مهمی است که منجر به پدید آمدن شرایط موجود شده است.

۵- اصلی‌ترین و مهم‌ترین گام در حل و فصل اساسی معضلات اقتصادی موجود، «درک نابسامانی‌های مدیریتی و اقتصادی کشور» است. در این باره باید میان مسئولان ما درک مشترکی شکل بگیرد. بدیهی است فراقفنی درباره معضلات اقتصادی و شانه خالی کردن نهادهای اجرایی از مسئولیتی که در این باره بدرستی انجام نداده‌اند، نمی‌تواند منتج به اصلاح این موارد شود. هم‌اکنون زمان آن رسیده است هم در بعد «مبارزه با فساد اقتصادی» و هم در بعد «بازتعریف ساختار اقتصادی کشور». فعالیت‌های گسترده‌ای از سوی قوای سه‌گانه انجام شود. تعریف الگوهای اقتصادی زودبازده (برای گذار از وضعیت موجود) نیز نقش مهمی در این معادله ایفا می‌کند. تحقق همه این موارد، در گرو نگاه واقع‌بینانه نسبت به معضلات اقتصادی کشور از جمله سوءمدیریت اقتصادی است. در صورتی که مسئولان اجرایی کشور نخواهند یا نتوانند این نگاه واقع‌بینانه را مبنای عمل خود در برهه فعلی قرار دهند، مسلماً بحران‌های دیگری در انتظار اقتصاد کشورمان خواهد بود.

فراقفنی در حوزه اقتصاد ممنوع!

نویسنده: نوید مؤمن

تبلیغی - که حتی شکوه صریح و علنی رهبر عزیزمان را در پی داشت- باقی ماند و اقدامی جدی در راستای نپه‌نپه‌سازی آن در کالبد اقتصادی کشور نشد. ۴- رهبر بزرگوار انقلاب در فرمایشات اخیرشان، نکات دیگری نیز در زمینه وقوع معضلات ارزی در کشور بیان کردند: «در همین فضایی ارز و سکه گفته شد مبلغ ۱۸ میلیارد دلار از ارز موجود کشور، آن هم در حالی که برای تهیه ارز مشکل داریم، بر اثر بی‌تدبیری، به افرادی واگذار شد و برخی از آن سوءاستفاده کردند. این موارد مشکلات مدیریتی است و ارتباطی با تحریم‌ها ندارد.»

براستی واگذاری بی‌رویه ارز، آن هم به کسانی که با استفاده از رانت و روابط غیرمترافع، اقدام به دریافت آن کرده‌اند، چه معنایی دارد؟! آیا حراج ۱۸ میلیارد از ارز کشور را باید معلول احم ترامپ و جان بوتلون و مایک پمپئو دانست؟! آیا زمان آن نرسیده است در راستای حل و فصل معضلات اقتصادی کشور، فراقفنی را رها کرده و معضلات روبنایی (در سطح خرد) و زیربنایی (در سطح کلان) اقتصاد کشور را برطرف کنیم؟! نکته تاسف‌بار اینکه معمولا در زمان کاهش ارزش پولی یک کشور، دولت‌ها از طریق جذب توریست و سرمایه خارجی، سیاست «رزآوری» را اجرا کرده و کمبود ارز در داخل کشور را جبران می‌کنند. با این حال متعاقب اعطای بی‌رویه ارز مسافرتی، از منابع ارزی موجود در کشورمان کاسته شد! آیا این موارد مصداق بی‌تدبیری و سوءمدیریت در اقتصاد نیست؟

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در دیدار هزاران نفر از اقشار مردم، به نکات مهمی درباره «مدیریت اقتصادی در کشور» اشاره فرمودند: «مشکلات اقتصادی و راه‌حل‌های آن معلوم است، هیچ بن‌بستی در کشور وجود ندارد و مسئولان در هر ۳ قوه باید با تلاش، کار مشترک و استفاده از نظرات کارشناسان، مشکلات و فشارها را از دوش مردم بردارند. اکثر کارشناسان اقتصاد و بسیاری از مسئولان متفقند عامل همه این مشکلات تحریم‌ها نیست، بلکه ناشی از مسائل درونی و نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری اجرایی است. من نمی‌گویم تحریم‌ها اثر ندارد اما عمده مشکلات اقتصادی اخیر مربوط به عملکردهاست و اگر عملکردها بهتر، باتدبیرتر، بهنگام‌تر و قوی‌تر باشد، تحریم‌ها تأثیر زیادی نخواهد داشت و می‌توان مقابل آن ایستاد.»

۱- تیرماه ۹۴ شاهد انعقاد توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ بودیم. در آن زمان بسیاری از افراد دلسوز هشدار دادند «برجام» نباید به «قطعه نقل اقتصاد کشور» تبدیل شود، زیرا توافقی که حتی به صورت بالقوه ظرفیت تغییر یا ابطال دارد، نمی‌تواند حکم یک تکیه‌گاه محکم را برای اقتصاد کشورمان داشته باشد. با این حال رئیس‌جمهور محترم و وزرای‌شان اصرار داشتند برجام غیرقابل ابطال و تغییر بوده و حتی از آن به عنوان «فتاب تابان» و «بر» و «باغ سبیب و گلانی» یاد کردند! متأسفانه از سال ۹۴ تا زمان خروج رسمی آمریکا از توافق هسته‌ای، «برجام» به‌نخ تسبیح اقتصاد کشور تبدیل شد. این محاسبه نادرست و غیرواقع‌بینانه که معلول نگاه ایده‌آل‌گرایانه و اغراق‌آمیز به توافق هسته‌ای بود، در نهایت منجر به عدم توانایی دولت

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

@vatanemrooz

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی!

0 107354 683291

یادداشت امروز

ناکارآمدی نتیجه
لیست‌های کیلویی

امید رامز

سخنان اخیر سران اصلاحات و اعتراف تلوچی و تصریحی آنان به ناکارآمدی این جریان از یک طرف گویای بسیاری از واقعیت‌های موجود این جریان و فاصله زیاد حرف تا عمل و وعده تا تحقق در عملکرد آن است و از طرف دیگر - که وجه عمیق‌تر ماجراست - نقد وارد بر ماهیت حزب در نظام‌های سیاسی است که در همین راستا طبیعتاً نظام حزبی در ایران (اگر واقعا وجود داشته باشد) نیز متأثر از همین ماهیت است. منتقدان بسیاری به‌رغم تاکید بر وجود مثبت حزب و نظام حزبی، در نقد آن نیز نظریه‌پردازی کرده‌اند و امروز آنچه درباره نظام حزبی ایران شاهد هستیم، مشابه بسیاری از الگوهای ناقصی که از ساختار نظام‌های مدرن بدون توجه به اقتضات حیاتی آن طی دهه‌های گذشته شکل گرفته، ظهور و بروز نقایص حزب‌گرایی و غلبه آن بر وجه مثبت آن است. از این جهت سخنان روزها و هفته‌های گذشته برخی سران جریان اصلاحات که گاه از طیف رادیکال هم هستند، بسیار قابل توجه است.

مصطفی تاج‌زاده، یکی از رادیکال‌ترین اصلاح‌طلبان با اذعان به ناکارآمدی اعضای لیست امید در مجلس شورای اسلامی، تاکید می‌کند: «سال ۹۸ به لیست ۹۴ رای نخواهد داد، چرا که این مجموعه پاسخگوی مشکلات فعلی کشور نیست». اگر هدف از انتخابات گزینش بهترین و کارآمدترین نفرات برای اداره امور جامعه و تحقق اهداف ملی است (نظور که شعار اصلاحات و قاطبه لیبرال‌هاست)، باید پرسید: آیا واقعا قوی‌ترین نفرات لیست مقابل از ضعیف‌ترین نفرات لیست امید، ضعیف‌تر و ناکارآمدتر بوده‌اند؟! آیا لیستی که بدون هرگونه تحقیق و شناختی از اعضای آن توسط مردم و صرفاً با «تک‌سرا» گزینش می‌شود، الزماً دربرگیرنده کارآمدترین اعضاست و بهترین انتخاب را برای منافع ملی شامل می‌شود یا صرفاً منافع جناحی معیار است؟ «ماکس وبر» فرجام انسان حزبی را تبدیل شدن به نوعی «حیوان رای‌دهنده» می‌بیند که کاری جز اطاعت محض از اوامر سران حزب ندارد. «هیچکس» نیز نیاز درونی توده‌ها مبنی بر احترام به رهبران و روسا را که به احزاب سیاسی راه می‌یابند نوعی تشویق غیرارادی توده‌های برای متمرکز کردن قدرت در دست رهبران حزب و متعاقباً هدایت توده‌ها در جهت منافع حزبی می‌داند و آن را «قانون آهنین الیگارشی» می‌نامد. آیا چنین انسانی همان انسان تراز قرآنی است که مسئول انتخاب خویش است یا به قول «وبر» ظاهراً از حقوق سیاسی و حق رای برخوردار است اما چشم‌پسته و سرخوشانه تعیین سرنوشت خود را به دیگران واگذار کرده است؟ وقتی به اعضای لیست امید در مجلس می‌نگریم بیشتر متوجه «قانون آهنین الیگارشی» می‌شویم که آیا واقعا این انتخاب «از مردم» برای مردم است یا «از الیگارشی» برای مردم؟

«استروگرسکی» نیز نقد وارد بر احزاب سیاسی را این می‌داند که تحزب بستری را فراهم می‌کند که کسب قدرت به جای اینکه به «بزار» می‌باشد تحقق آرزوهای و دغدغه‌های اساسی تبدیل شود، خود «هدف» می‌شود. از نظر استروگرسکی، احزاب بیش از آنکه وظیفه انتقال آرای مردم را انجام دهند به کار تجارت‌گونه تقسیم مشاغل مشغولند. وقتی تک‌راه‌های ۹۶ و ادعای موهوم دیوارکشی و ماجرای جلال و شهید و نیز حق‌الوورد میلیاردی به لیست شش‌ویز شهر تهران را مرور می‌کنیم، بیشتر به این «هدف» بودن کسب قدرت و «تجارت‌گونه‌ی» مناصب نزد جریان اصلاحات و اعتدال بی‌می‌بریم تا اینکه قدرت، ابزاری باشد برای خدمت‌رسانی واقعی به مردم از راه گزینش سالم و عادلانه.

ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود؛ محسن هاشمی، رئیس اصلاح‌طلب شورای شهر تهران نیز طی سخنانی قابل تامل اظهار داشته: «در زمان مبارزه برای گرفتن قدرت اجرایی یا رسیدن به یک هدف، یک نوع فعالیت و صحبت می‌شود ولی هنگامی که شما به هدف رسیدید، باید به گونه دیگری برخورد کنید. به عبارت دیگر باید بتوانید از آن چیزی که به دست می‌آورد، نتایج مثبت مورد انتظار را به دست آورید.

ادامه در صفحه ۱۲